



۱۲۰ واقعت از سفر تاریخی

دریادلان نی روی دریایی

راهبردی ارتش به دور دنیا

اندیشکده راهبردی سعدهاء



بسم الله الرحمن الرحيم

﴿اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ

تَشْكُرُونَ﴾

سوره جاثیه آیه ۱۲

خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها
بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره گیرید، و
شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید!

همه آنچه که از ناوگروه ۸۶ باید بدانید...!

۱. هر قطعه ناوشکن دنا از یکی از استان‌های کشور آمده بود.^۱
۲. پرسنل ناوگروه ۸۶ از همه استان‌های کشور آمده بودند، یک تیم ملی
کامل دریایی رو تهیه کردیم از بهترین و زبده‌ترین افسران و دانش‌آموختگان
کشورمان، آن هم با رنج سنی ۳۰ سال، حتی دهه هشتادی هم داشتیم.

۱ تمامی محتوای این فایل از برنامه‌های تلویزیونی زیر تهیه و تنظیم شده است:

- برنامه سلام صبح بخیر؛ مصاحبه با ناخدا احمد گل بازگیر جانشین عملیات نداجا و دکتر خسرو معتضد
- برنامه ثریا؛ مصاحبه با امیر شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران
- برنامه جهان آرا؛ امیر دریا دار فتاحی
- برنامه ایران امروز؛ امیر شهرام ایرانی فرمانده نیروی دریایی راهبردی ارتش جمهوری اسلامی ایران و دکتر خدای عضو کمیته جامعه شناسی
دانشگاه تهران؛ امیر دریا دار دوم پزشک طاهر سلطانزاده رئیس اداره بهداشت و درمان نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران

۳. بعد از این اتفاق فرمانده ارشد روسی می‌گوید «ایران یک ابرقدرت است».
- نظامیان برزیل هنگام بدرقه ناوگروه ما گریه می‌کردند، این در حالی هست که در تمام این مسیری که این قهرمانان ارتش رفتند بالاخره در طول این سال‌ها آمریکا نسبت به ما سم‌پاشی کرده بود و فضا سازی کرده بود؛ اما یک‌جا‌هایی استقبال از ما خیلی گرم بوده، باز دید ما از برزیل خیلی سروصدا کرد.
۴. در کارگروه‌ها پیش‌بینی هر اتفاق غیرمترقبه‌ای را در وسط اقیانوس تدارک دیده بودیم.
۵. تنها برنامه‌ریزی این سفر هشت ماه زمان برد و اتفاقات خیلی زیادی صورت گرفت تا اینکه در نهایت بدون اشکال سفر کنیم.
۶. ناو بندر مکران به نحوی طراحی شد که باز هم بتواند یک دور دیگر دور کره زمین بچرخد و در ساحلی پهلو نگیرد.
۷. از نظر بهداشتی مجهزترین اتاق عمل را در ناو بندر مکران تعبیه کرده بودیم.
۸. برای عمل جراحی در دریا، کیسه‌های خون منجمد شده‌ای را از قبل آماده کرده بودیم.
۹. حتی پیش‌بینی شده بود که اگر برای نفر الف اتفاقی بیفتد چه کسانی می‌توانند به او خون بدهند.

۱۰. در اقیانوس آرامِ ناآرام بودیم که ناگهان یکی از کارکنان با تلاطم دریا، دلش متلاطم شد و آپاندیسش را جراحی کردیم و هیچ نیازی هم به بندر پیدا نکردیم.

۱۱. دایره عظیمه استوا چهل هزار کیلومتر است؛ اما ما بیش از ۶۲ هزار کیلومتر یعنی یک دور و نیم از بزرگ‌ترین دایره کره زمین دریانوردی کردیم که در ۲۶۰۰ سال سابقه نیروی دریایی خطه ایران که مؤسس آن داریوش کبیر بود، بی مثاله!

۱۲. ناوشکن دنا خیلی جوان هست، ما تولد یک‌سالگی این ناو را در تقریباً دریای چین جنوبی و نزدیک اندونزی جشن گرفتیم.

۱۳. از شهریور ۱۴۰۱ با شعار صلح و دوستی مردم ایران به دنیا از بندرعباس ماجراجویی مون رو شروع کردیم. در بندرهایی کشورهای مختلف که می‌رفتیم مسئولین و مردم محلی از دنای ما خیلی تعجب می‌کردند، آخه تناژ ۱۵۰۰ تن! آن هم در اقیانوس آرام ۱۱،۰۰۰ متری؟! این کلاً با علم ناوبری امروز شاید از نظر حساب و کتاب علمی جور در نیاید، چون از نظر علمی حداقل باید ناو دارای ۸۰۰۰ تن وزن باشد تا در اقیانوس و طوفانهایش دوام بیاورد؛ اما ما با ایمانمون جلو رفتیم، البته همه این‌ها ساخت خودمون بود و قطعه به قطعه آن ایرانی بود.

۱۴. مگه دریا هم زبون کامپیوتر سرش میشه؟! ما برای سفرمون با کمک کمیته اقلیم شناسی و اقیانوس شناسی که از متخصصین کشورمون تشکیل شده بود ابر کامپیوتری رو طراحی کردیم تا اینکه کل مسیر را کامل و دقیق شناسایی کنیم و بدونیم از چه مسیری برویم بهتر هست. از مسیر های مختلف اقیانوس معدل گیری کردیم آن هم به صورت ساعت به ساعت تا اینکه بدونیم در کدام مسیر باد بالای بیست گره داریم و چه زمانی دریا سر به زیر و آرومه.

۱۵. بعضی وقتا گوگل میگه بارون نمیداد، اما می بینید میدون انقلاب خیهسه آبه! علم هواشناسی امروز به این ال نینو «EL NINO» میگه، برای ما هم دقیقا همین اتفاق افتاد، ما وقتی از جاکارتا جدا شدیم چون بعد از جاکارتا باید ۱۲۰ روز می رفتیم و کانال ماژلان رو رد می کردیم تا اینکه به ریو دوژانیروی «Rio de Janeiro» برزیل برسیم. اواسط راه بودیم که یک دفعه بالادست طوفان بزرگی شده بود و آن قسمتی که ما بودیم رو تحت تأثیر خودش قرار داد، ما دریانوردا به این موجها می گیم موج مرده، شیب های وحشتناکی که توی رسانه ها دیدید همه زیر سر این امواج مرده بود.

۱۶. ما در مسیر مون زمان رو خریدیم! خط زمان دقیقا ۱۸۰^ درجه با گرینویچ تفاوت دارد و وقتی که شما از آن جارد می شوید، این طرف که شنبه باشد آن طرف یک شنبه هست. این برای اولین بار بود که تجربه می کردیم.

۱۷. تا حالا اصطلاح اورست دریانوردی رو شنیده بودید دماغه هورن در کانال ماژلان در علم ناو بری اورست دریانوردی محسوب میشه، علت هم داره چون از دو طرف، دو جریان اقیانوسی اطلس و آرام در یک نقطه به هم می رسد و امواج بسیار سهمگینی ایجاد می کند حتی تابستون های ناجوری داره چون یخ های قطبی از قطب جنوب آزاد میشن. اگه شما هم رفتین و به اندازه یک کیلومتر (حجم کوه) یخ متحرک دیدید تعجب نکنید. البته شما یک کیلومترش را می بینید تازه بیشترش زیر آبه باید حسابی مراقب باشید تا واقعه تایتانیک دو رخ نده. البته ما همه این تمهیدات را از قبل اندیشیده بودیم و خدا رو شکر بی هیچ اشکالی از آن جا عبور کردیم.

۱۸. قبل از حرکت ما اینقدر عملیات بازی جنگ رو انجام دادیم تا مبادا هیچ اتفاق غیر مترقبه ای ما رو به اعماق دریا بفرسته! پیشنهاد ما اینه شما هم این کار رو بکنید، وقتی می خواهید برید سفر، فکر همه چیز رو بکنید تا به مشکلی نخورید. آخه غربته دیگه! بازی جنگ یعنی یک سفر بی اشکال و بی نقص. جالبه بدونید ما حتی قطعه ای که داشتیم رو رفتیم توی بازار های جهانی گشتیم تا پیدا کنیم، اما نداشتند. فقط خودمون بودیم که این قطعه رو توی جهان داشتیم اما تا آن موقع نمی دانستیم!

۱۹. تجارت دریا! می دونستید ۹۳٪ صادرات جهان از طریق دریا ها صورت میگیره؟! مأموریت ما در واقع، مأموریت بزرگ اقتصادی حضور در دریاهاست. این یک موهبت الهی هست که ما در منطقه ای قرار بگیریم که از طریق تنگه هرمز و دریای عمان به تمام جهان دسترسی پیدا کنیم، اما این دسترسی اگر در شرایطی مورد تهدید قرار بگیرد مثلاً همان شرایطی که در دوران دفاع مقدس اتفاق افتاد و حتی شرایط تهدید هایی که ممکن است در آینده احتمال آن را بدهیم ما مجبور هستیم مسیر های جایگزین برای تجارت دریایی خودمان پیش بینی کنیم. این پیش بینی کردن نیاز به اطلاعات و اشراف خوبی در این حوزه دارد، جالب است بدانید که اصلاً تا قبل از اعزام ناوگروه ۸۶ هیچ تصویری از پهنه بزرگ آبی جهان یعنی اقیانوس آرام نداشتیم.

۲۰. اولین دستاورد ما در حوزه علمی تسلط دریایی بر همه اقیانوس ها و دریاها و تنگه های راهبردی و مسیر های تجارت جهانی و پیش بینی مسیر های جایگزین هست. این در حوزه راهبردی خیلی مهم هست که شما بتوانید مسیر تجارت دریایی تان را طوری پیش بینی کنید که در هر شرایطی این چرخه اقتصاد کشور دچار توقف نشود!

۲۱. دیگه توی تحریم شدن تنها نیستیم! علی رغم اینکه این دو ناو گروه توسط استکبار تحریم شدند اما این اتفاق یک معنای سطحی و ظاهری نداره!

بلکه به معنای اینه که همه کشور های جهان موظف اند از پهلوی دهی به ناوگروه خودداری کنند، اما از آن جایی که نیروی دریایی الان به قول حضرت آقا در هندسه نظم جهانی دارد بازیگری ایفا می کند، جمهوری اسلامی ایران دیگر آن نظام تک قطبی، هژمونی را فرو ریخته و الان ما می توانیم در حوزه نظم جهانی حرف برای گفتن داشته باشیم، برای همین هم پنج کشور دنیا مثل ما به تحریم های آمریکا ریشخند زدند و ما رو به بندرهاشون راه دادند.

۲۲. همیشه میگن تاریخ رو ورق بزنی تا دوباره تکرار نشه! ما بچه های نیروی دریایی یادمون بود که روزگاری در همین تنگه هرمز مستکبرین و سلطه گران می ایستادند و از عرشه ناو خودشان به پایخت ما دستور می دادند. کاری کردیم تا حتی در آب های آزاد هم نتونن به ما زور بگن!

۲۳. در دوران دفاع مقدس، دشمن گاهی اوقات وارد آب های سرزمینی ما می شدند، حالا نه تنها جرأت نزدیک شدن به آب های سرزمینی مون رو ندارند که هیچ، امروز ما در حیات خلوت آن ها می رویم و پرچم جمهوری اسلامی ایران را در کشور برزیل و قاره آمریکا و تنگه ماژالان و در آفریقای جنوبی و در کشور هند و در اندونزی و صلاله عمان همه این ۵ کشور بالا بردیم، همه این ها که گفتیم، مکانهایی بود که این ناو گروه رفت و پرچم ایران را به اهتزاز در آورد و فرهنگ ایران اسلامی را به این کشور ها عرضه کرد.

۲۴. برزیل که رسیدیم، هیچ تصور مثبتی از ما نداشتند، حتی فرهنگ و آداب رسوم ما رو هم نمی دونستند، حسابی ترسیده بودند! آخه تو جهان ما رو به تروریست معرفی کرده بودند دیگه! قیاسش خیلی زشته اما بگن زبونم لال داعش اومده بندر عباس ...، مردم اونجا چه حسی دارند! خلاصه حتی شرط و شروط هایی گذاشتند و گفتند چراغ خاموش بیایید و بروید، اما جالبه بدونید آنقدر رفتار بچه های ما با این ها برایشان جذاب بود که خودشان شروع کردند به انتشار اینکه نیروی دریایی ایران به برزیل آمده و پهلوی گرفته است و آن ها خودشان پیش قدم شدند به جهانیان بگویند ما از نیروی دریایی ایران پذیرایی کردیم.

۲۵. بازی جنگ یعنی اینکه ما برای مسیری که داشتیم، حتی بیشتر از نیازمون سوخت داشتیم، یعنی اگه ناو خارجی ای وسط راه سوخت تموم کرده بود می تونستیم کمکش کنیم، پیش بینی های لازم کاملاً انجام شده بود، در مکران سوخت کاملاً بارگیری شده بود و به فراخور زمان و مقداری که دنا مصرف سوخت داشت به هم دیگه پهلوی می گرفتند، جالبه بدونید ما در حین حرکت این عملیات سوخت رسانی را انجام می دادیم! در حین حرکت سوخت گیری می شد و ما به این طریق، نیاز به سوخت هیچ کشوری پیدا نکردیم.

۲۶. شاید خیلی ها تصورشون از دریا و اقیانوس همین بحث ماهیگیری و مباحث اقتصادی و حمل و نقل باشه! اما دریا فقط این نیست، نیروی دریایی ما، هم نقش نظامی داره، هم نقش امنیتی داره، جالبه بدونید حتی چینی ها به خاطر حفظ امنیت و نجات دادن کشتی باری شون از ما تقدیر و تشکر کردند. پس دریانوردی ما هم نقش امنیتی داره و هم نقش دیپلماسی، اینکه ما می رویم در بندر کشوری پهلو میگیریم یعنی داریم روابط فرهنگی مون رو گسترش می دهیم، همه این ها باعث می شود که آن شکوفایی ای که باید در وضعیت فرهنگی و دیپلماسی ما از طریق نیروی دریایی اعمال بشود، و ما در این ناو گروه با بازخوردهایی که گرفتیم خیلی خوب مأموریت مون رو انجام دادیم و تبلیغات دشمن رو تا حدودی بی اثر کردیم.

۲۷. تا قبل از اینکه ما نیروی دریایی رسمی داشته باشیم، یعنی زمان مظفر الدین شاه بی حال، شیخی بلند می شد و از آن سوی خلیج فارس میومد و برای خودش در جزایر ما پرچم می گذاشت و اصلا کسی به کسی نبود، حتی توی تاریخ داریم که تنب بزرگ و تنب کوچک و ابوموسی و هنگام و باسیدو، در همه اینها پرچم انگلیس گذاشته بودند، جالبه مظفر الدین شاه نامه زد که شما چه کار می کنید اینجا؟! به آنها بگویید فضولی نکنند! آنها در جواب نامه زدند قربان، اعلی حضرت و قبله عالم، ما عده ای از طوایف هستیم برای چرای

گوسفندان خودمان چون گوسفندان ما نیاز به چرا دارند، بزها احتیاج به چرا دارند و این ابوموسی در فصل زمستان و اوایل بهار و تابستان خیلی سرسبز است و اجازه بدهید ما بیاییم و اینجا این کار را بکنیم. ما که نیروی دریایی نداشتیم واقعا باور نمی کنید اما قاچاق انسان بود، بردگی و برده داری آن موقع در سواحل جنوبی بیداد میکرد.

۲۸. آقا نیروی دریایی به چه درد می خوره، مردم نون ندارن! دکتر خسرو معتضد تاریخ نویس و تاریخ نگار معاصر مون میگه: آن زمان ها که ما نیروی دریایی نداشتیم ایرانی ها را می بردند، خیلی راحت از ایران می دزدیدند و به عنوان برده می بردند به آن سوی خلیج فارس. اصلا انسان از دید آنها آن زمان کالا بوده آن هم از نوع ایرانیش! اسلحه فرانسوی می آوردند و در جنوب پخش می کردند. هر فسادى که بود در اثر نبودن این نیروی دریایی در این مملکت بود، من نمی توانم بگویم که چه آدم هایی را می دزدیدند و می بردند به عنوان برده و خیلی راحت ایرانی ها را می فروختند. بنابراین، این کار یعنی ایجاد نیروی دریایی لازم قطعی بود.

۲۹. بعد از انقلاب شاید بعضی ها تیکه انداختند که آقا این ایران ژاندارم خلیج فارس شده! نه خیر آقا، ما ژاندارم نیستیم، خلیج فارس تَه خانه ماست، شما اگر یک حیاطی داشته باشید باید در را بپا باشید؟! ارقام آن موجود است،

نیروی دریایی ما یکی از قوی ترین نیروی دریایی های دنیاست. ژاپنی ها وقتی که صاحب نیروی دریایی شدند روس ها می خندیدند، نیروی دریایی؟! آن هم برای ژاپن؟! یک کشور سیصد هزار کیلومتری، تسو شیما، در تسو شیما نیروی دریایی ژاپن، نیروی دریایی روسیه به آن عظمت را نابود کرد، تا نفر آخر، حتی دختران ژاپنی زمانی که شنیدند توپ های نیروی دریایی کشورشان طناب ندارد، همه سرهاشان را تراشیدند و گفتند با موهای ما طناب درست کنید و دشمن را نابود کنید. این خیلی عجیبه!

۳۰. جان بارل تاریخ نویس مشهور در کتاب خود آورده است که در ایران بعد از نابود شدن نیروی دریایی اش در زمان ناصر الدین شاه، وارد جزیره قشم شدم، دیدم دزدان عرب آن جا هستند و رفتم جزیره سیری و دزدان عرب آنجا هم بودند. هر جا که رفتم اینها بودند. یک جا که رفتم من را گرفتند و پول و دوربین و اسلحه که همراه من بود رو از من دزدیدند، شانس آوردم دروغکی گفتم من انگلیسی هستم و معلوم شد که این ها با انگلیسی ها برنامه دارند تا اتباع انگلیسی را اذیت نکنند و الا می خواستند من را بکشند، او می گوید تمام پول های من را گرفتند و من در یک جایی آوردند و رها کردند، نیروی دریایی که نبود. از ۱۳۲۰ به بعد تمام خلیج فارس و تمام نواحی که برای ایران بود به دست دزدان عربی افتاد که از نواحی مختلف می آوردند. این را

می خواهیم بگویم که نیروی دریایی با اشک درست شد، یعنی دو تا ناو شکسته
ببر و پلنگ دوم، اولی ایتالیایی بود ۱۲۰۰ تن و این دو تا را هم ۱۲۰۰ تن حساب
کردند، البته ناو انگلیسی ها کهنه بود برای ۱۹۳۰ بود و به ما بخشیدند، در
دوران ملی شدن نفت مان، قرار بود که با این ها دفاع کنیم در مقابل رزم ناو
مورسیوس ۸۰۰۰ تنی و آن همه کشتی دیگری که با خودشان آورده بودند.
خوشبختانه کم کم نیروی دریایی سامان پیدا کرد و کشتی هایی را ما خریدیم
و چهار تا ناوچه برده بودند که یکی از آن ها خراب شد و آن ها را هم که
برگردانده بودند جنازه بودند. یک چیز جالب بگویم که حتی حوضچه ما را برده
بودند، یک حوضچه تعمیر بود حوض داک خشک شناور، داک شناور را هم
روس ها بردند. انگلیسی ها مال ما را بردند به اسکندریه و سنگاپور و بمبئی،
این ها مثل یک پدری که مرده باشد و اموالش را بچه های نادان نتوانند از
خودشان دفاع کنند و دزدان بیایند و جنایتکاران بیایند و همه را ببرند. نیروی
دریایی ما با اشک درست شد.

۳۱. سه دریا، یک کشور

ما کشور دریا نوردی هستیم. ما در خلیج فارس و مکران ۱۵۰ نوع ماهی داریم،
این پروتئین ماهی را باید در این مملکت خودمون بیاریم بدیم به مردممون و
جلوی لاشخور ها و کشتی های کلاه برداری که می آیند را بگیریم. مردم ایران!

ما باید واقعا یک ملت دریایی باید بشویم. تا زمانی که انگلستان دریایی نشد، انگلستان نشد همینطور ساحل کشور.

۳۲. ما از سواحل مکوران یا مکران از جنوب همسایه همه مردم دنیا هستیم، یعنی ما به نوعی با هر کسی که در کنار آب هست به نوعی همسایه ایم. اولویت اول ما در نداجا شکوفایی اقتصادی کشور هست.

۳۳. نگاه نیروی دریایی ما این هست که کمک کند به کشور های مستقل دنیا، ما دنبال این هستیم که هم منافع اقتصادی خودمان را حفظ کنیم. همانطور که فرمودید ۹۰٪ تجارت ما و صادرات و واردات ما از طریق دریا انجام می شود و دشمن هم در همین سال های قبل تهدیدات دریایی را و راهزنی دریایی را شروع کرد و این برای شما به لحاظ اقتصادی هم خیلی کار بزرگی هست و میتواند ان شاء الله امنیت کاروان های دریایی و تجاری ما را تضمین کند. اما ما یک تفاوتی با سایر کشور ها داریم آن هم به جای نگاه استعماری، انقلاب اسلامی پیام صلح و توانمند سازی و تعامل برد برد با کشور های مستقل دارد. یک اتفاق بزرگی هست که باید خدایوت گفت و کار شجاعانه ای هست.

۳۴. ۵۰ سال اطلاعات جوّ و اقیانوس کلّ دنیا، یعنی نقطه ای نبود که پیاده پیاده سازی نشود آن هم در یک نرم افزار کاملا ایرانی در اختیار داشتیم. مزیت

این برنامه پیش بینی دقیق مختصان جغرافیایی تاریخ هایی که مد نظر ما بود که مثلا در این نقطه وضعیت جو و اقیانوس چگونه خواهد بود.

۳۵. در حوزه توزین بار در شناور چون در آن امواج اقیانوس آرام که اصلا هم آرام نمیگیرد، البته این تعبیر مقام عظمای ولایت هم هست که چندین بار به بنده فرمودند که بالاخره آقای ایرانی اقیانوس آرام خیلی هم آرام نیست. آن جا اگر این توزین وزن در طول شناور درست انجام نشود قطعا ممکن است موجب شکستگی و حتی پارگی بدنه بشود و خدای نکرده اتفاقی بیفتد. خیلی از شناور ها در این مسیر غرق شده اند با توجه به شرایط جوی، خوب آن را مراجعه کردیم و دیدیم که تحریم صد درصد است و کلا این سبک ما شده است که تحریم گریز هستیم و تحریم مانعی بر سر راه ما نیست برای همین هم جوانان کشور پای کار آمدند و اطلاعات گرفتیم، از ارگان های دریایی اطلاعات گرفتیم و عزیزان آمدند و تجربیاتشان را منتقل کردند و نتیجه این زحمات و هم فکری ها باعث شد یک نرم افزار توزین وزنی را خودمان بسازیم که امروز نمونه این نرم افزار جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با نمونه خارجی اش واقعا درجه یک هست.

۳۶. ۱۲۰۰ تن ماکزیمم وزنی دناست تازه اگر همه مخازن آب و سوخت آن پر آن پر باشد، ماکزیمم مکران ۱۲۰,۰۰ هزار تن. ما در دریا نوردی دو واژه داریم

یکی بحث پایداری و یکی بحث مقاومت است. دنا اساسا از نظر ابعاد و وزن برای چنین شرایطی ساخته نشده بود و اولین طوفانی که برخورد می کند برابر کتاب شما فوری فلش می زند که باید برود بندرگاه پهلو بگیرد تا طوفان فروکش کند. ما می دانستیم طوفان می شود، اولین طوفانی که مواجه شدیم در اقیانوس آرام بود، شما تصور کنید در ناو دنا هستید دائم در حال تکان خوردن و ناو مکران را هم که صد برابر آن هست می بینید. چه حسی در آن لحظات خواهید داشت؟! همان لحظات بود که من به فرمانده دنا تماس گرفتم اما اوضاع از قرار یک جور دیگه بود که خیلی تعجب کردم، گفتم نکند پیش بینی من اشتباه بوده است؟ دریادار مغانی گفت نه، اینجا همه چی خوبه با اینکه خیلی از حیث تعادل آرام نیستیم اما همه داریم می خندیم و حسابی شاد هستیم.

۳۷. در شرایط طوفان و شیب ۸۴۸ درجه اقیانوس، باید تیم فنی در کنار موتور ناو باشند، آن شرایط را شما ببینید آن کسی که در موتورخانه حضور دارد باید شرایط فنی را از نظر ایمنی از نظر این که موتور سر پا باشد دائم چک کند و یک لحظه نباید این موتور قطع بشود و خدای ناکرده اگر تحرک ناو از دست برود دیگر آن موقع این دریا هست که برای شما تصمیم می گیرد.

۳۸. دنا سه طوفان را تجربه کرد. دریانوردی در خون من هست، روحی که به دنا داده می شود روح این کارکنان عزیز هستند که داخل آن هستند و این اصلا روح دارد، این روح اگر ضعیف باشد در جا صدمه می بیند و اصلا شکی وجود ندارد. اما اگر با اقتدار و قوی باشد و توکل به خدا و توسل به ائمه و امیدی که داشتند و چشمانی منتظرشان هستند و می خواهند شاهد این افتخار باشند. این ها از این طوفان به راحتی عبور کردند.

۳۹. در اقیانوس آرام تا ۴۸ درجه ناو کج می شد و مثل تابی می رفت و می آمد. هر شبانه روز این بچه ها در این شرایط بودند شما در طول روز شرایط متفاوت است و شب اصلا خود دریا یک خوف عجیبی دارد مخصوصا اگر مهتاب هم نباشد و اصلا ظلمات کامل است. حالا شناور هم این شرایط را دارد و دید خیلی زیادی ندارید.

۴۰. از بچه ها پرسیدم که موقع طوفان شما چه کار می کردید؟ گفتند می گفتیم و می خندیدیم و جوک می گفتیم و... این روحیه و این فضا و توکلی که بچه ها داشتند و این اتحادی که داشتند باعث شد که ناوگروه یک روح ایرانی پیدا کند چون هم ساختش ایرانی است و هم مدیریتش و آن روحی که حاکم هست به ناو شکن و ناو بندر مکران، روح ایرانی است که با این شجاعت و جسارت مأموریت را انجام دادند و این اتفاق بزرگ رقم خورد.

۴۱. بندر مبدأ ما بندر عباس بود و ما به سمت شرق رفتیم و باز هم این یک دلیل علمی داشت و یک دریانوردی نزدیک به ساحل که دنا در این فرصت باز بیشتر ارزیابی بشود و ما مطمئن تر بشویم و بر آن نرم افزار هوا شناسی هم که پیش بینی ها را داده بود اطمینان مان بالاتر برود، چون ما با احتمال ۳۰٪ صحت شروع کردیم و می دانستیم که ۳۰٪ خطا دارد و طبیعی هم هست اما بحمدالله هرچه جلو تر رفتیم این تأثیرات داخلش داده شد، زمانی که ما به جاکارتا رسیدیم بالای ۸۵٪ اطمینان کامل به برنامه داشتیم!

۴۲. ما بحث دیپلماسی را هم دنبال می کردیم و اولین بندری که مورد نظر مان بود بمبئی بود و اینجا اتفاق جالبی که افتاد هم زمان که همزمان من بمبئی بودند یک ناوگروه از هندوستان در بندر عباس پهلو گیری داشت و خیلی جالب بود، برای آن ها خیلی جالب بود این برنامه ریزی چگونه انجام شده است.

۴۳. از دریای سلبس «Celebes sea» که عبور کردیم وارد اقیانوس آرام شدیم، از اینجا به بعد شما در نقشه می بینید که دیگر هیچ ساحل قابل اتکایی نیست و عزیزان عملاً وارد اقیانوس آرام شدند که وسعتش بسیار زیاد است و بیشترین عرض اقیانوسی در آرام طی شد، حدود ۸۰۰۰ مایل دریایی و ۱۵۰۰۰ کیلومتر و پی در پی دریانوردی کردند و اینجا کشور هایی که مدعی بودند و

خودشان را ابر قدرت می نامیدند، اظهار گله مندی داشتند که ایرانی ها در اینجا چه کار می کنند و اولین بار آن هم اقیانوس آرام بعد با این ترکیب ...

۴۴. وقتی داشتیم به مجمع الجزایری که مربوط به کشور فرانسه بود نزدیک می شدیم، چون فرانسه جزء آیونز هست به آن ها اعلام کردیم که ما ناوگروهمان در اینجا حضور دارد و آمادگی تمرین مرکب را داریم که یک چهل و هشت ساعتی در شوک بودند و بعد از چهل و هشت ساعت گفتند که «ما آمادگی نداریم» اما در هند می توانیم در آینده انجام بدهیم بعد ما گفتیم همین الان ما در هند و در اینجا اقیانوس آرام این آمادگی هست.

۴۵. فرانسوی ها از نظر حقوق دریا مرز دریایی تعریف کرده اند. اما یک تبصره خودشان به اصرار اضافه کرده بودند که چنانچه شناوری (نگفتند نظامی یا غیر نظامی) بخواهد عبور بی ضرر داشته باشد و با چشم غیر مسلح از زیبایی های جزایر استفاده کند تا جایی که ایمنی اش اجازه می دهد می تواند به جزایر نزدیک بشود. ما مسیر مان از بالای جزایر بود و بعد دیدیم که این ها خودشان اجازه دادند و عبوری داشته باشیم اما وقتی دیدند که ما نزدیک به جزایر شدیم از ترسشان اینجا مطرح کردند که به حریم ما تجاوز شده است و خواستند شلوغش بکنند و ما همین تبصره و قانون را با شماره صفحه

فرستادیم یعنی همه کار های حقوقی را هم از قبل مطالعه علمی شده بود که تا امروز هم هیچ پاسخی ندارند و کلامی به میان نیاوردند.

۴۶. چون آمریکا خیلی به شیلیایی ها فشار آورده بود که به هیچ وجه از ناو گروه ما اصلا استقبالی نداشته باشند، به ناوگروهمان پیام دادند که از دویست مایلی نباید نزدیک بشوید، ما هم گفتیم از ۵۰۰ مایلی می رویم، تا اینجا که بیشترین عرض را آمدیم و حالا این یک تیکه ارزشی ندارد و بعد وقتی که واحد های گشتی شان آمد و پروازی ارتباط برقرار شد دیدند نه، ماجرا یک چیز دیگری هست و از بالا مانیتور می کردند که بله این ها روی عرشه جمع شدند و دارند مراسم مذهبی به جا می آورند دیدند که نه، با یک جماعت دیگری طرف حساب شدند و اینجا تغییر رویه انجام دادند و همراهی کردند و مجوز عبور از تنگه ماژلان

«Strait of Magellan» را دادند. اینجا یک کار بزرگی که کردند از ما حتی عوارض نگرفتند و خیلی همراهی کردند و با محبت اجازه عبور به ما دادند، آنها چندین بار سوال کردند که ما فکر نمی کردیم که نظامی های ایرانی این شکلی باشند و رفتاری به این سبک داشته باشند و رسانه ها چیز دیگری به ما گفته بودند. چون در آنجا ظرف ۲۴ ساعت، چهار راهنما از نیروی دریایی

شیلی روی واحدهای ما بودند و همراهی کردند و این نکته برایشان خیلی جالب بود.

۴۷. در جزایر فارگلند بچه های ما یک گشتی را زدند و آن جا هم پرچم را نشان دادند که ما هستیم. اینجا مسیر کشتی رانی هست و نفت کش های ما و کشتی های تجاری ما مراوده بسیاری هست و قطعاً لزوم حضور داریم.

۴۸. وقتی به برزیل رسیدیم، با توجه به اینکه برزیلی ها دچار تبلیغات مسمومی شده بودند، برداشتشان اینگونه بود که یک نیرو دریایی بعد از سه ماه دریانوردی آدم هایی که خیلی خشن هستند و ایرانی هستند. اولش یک مقدار با ملاحظه ارتباط برقرار شد و همان ابتدا ناو شکن پهلو گرفت به اسکله و بچه ها روی عرشه و نماز رو برگزار کردند و ارتباطات برقرار شد و در شهر رفتند و به هر حال دنبال کردند و برایشان جالب بود و دشمن هم قطعاً رصد می کرد ما را، آن جا هم هماهنگ شد که هفت روز همزمان بمانند. ما هم ممانعتی نکردیم و گفتیم اگر شما مشکلی ندارید ما هم مشکلی نداریم. هفت روز در برزیل حضور داشتند. آن روز آخر که از اسکله جدا می شدند چه مقامات سیاسی شان و چه نظامی شان با بغض بچه ها را بدرقه کردند و به زبان چندین بار آوردند که ما تا به حال چنین نظامی های دریایی را ندیده بودیم، با این ترکیب فرهنگی. همزمان هم شده بود صدو بیستمین سال ارتباط دو

دولت. خیلی این هم برایشان جالب بود که چطور اینقدر هماهنگی ها سطح بالایی داشته و برنامه ریزی شده که دقیقا همان روز ما در برزیل باشیم. اینها همه اش لطف خداوند است.

۴۹. شاید باورتون نشه، اما ما دو عمل جراحی موفق در عرض اقیانوس آرام نا آرام داشتیم!

۵۰. دنا بود و یک تیم پزشکی کامل، شامل جراح و بیهوشی و یک بیمارستان هشت تخته در حد بیمارستان درجه یک تهران!

۵۱. ما به گونه ای رفتیم که احیانا اگر کشوری دچار طوفانی شد و مشکلی برایش پیش آمد و درخواستی داشت ما همه تجهیزاتمان اینگونه تهیه شد که پرتابل باشد بتوانیم برویم در آن جا و با نقش امداد گر خدمت رسانی کنیم.

۵۲. وقتی میگیریم بیمارستان هشت تخته، یعنی هم باید سامانه آزمایشگاهی اش کامل باشد هم رادیولوژی و دندان پزشکی و ICU و رادیولوژی و ...

۵۳. ما حتی این آمادگی را داشتیم تا در ساحل کشوری حالا اگر مردمش نیاز داشتند ما خدمات پزشکی مان را یک هفته تا ده روز آن هم به صورت رایگان در خدمت آن مردم و مستضعفان آن منطقه باشیم.

۵۴. تفاوت‌های نیرو دریایی استعماری با ما این است که قرن‌ها قبل دنیا را چپاول کردند به طمع الماس و طلا و محصولات مختلف کشاورزی با این نیروی دریایی‌ای که نگاه انقلاب اسلامی را دارد و پیام صلح و عدالت و پیام کمک به محرومان و پیام ایجاد امنیت برای کاروان‌های اقتصادی به ویژه کاروان‌های اقتصادی کشور خودمان. این نگاه خودش برکت می‌آورد. قطعاً اینگونه هست.

۵۵. در کیپ تاون برای اولین بار که حاضر شده بودیم، آن‌جا از لحاظ هواشناسی نکته‌ای دارد و آن این است که ما در شمال مسیر، ارتفاع موج هشت تا دوازده متر می‌رسید و در جنوب دوازده تا بیست متر. این مسیر را اصطلاحاً ما خودمان می‌گوییم اتوبان تهران قم! اما ما طوری رفتیم که با کمترین موج درگیر باشیم، کیپ تاون که رسیدیم آنها می‌گفتند امکان ندارد شما این دریا را آمده باشید! اصلاً باور نداشتند! گفتند شما از کانال پاناما عبور کردید و اینقدر این پاناما رو می‌کشیدند وسط و می‌گفتند حقیقت رو به بغید، ما که می‌دونیم از پاناما اومدین! بیشتر به همین دلیل بود یعنی باور نداشتند که ما این عرض اقیانوس را طی کردیم و ناو شکنی مثل دنا آن‌هم با این ابعاد و تناژ طی کرده است، اما وقتی که از آن‌ها دعوت کردیم تا در ضیافتی در ناو شکن دنا حاضر بشوند، وقتی که تمام فیلم‌های مسیر را برایشان گذاشتیم، از

تعجب و حیرت، به روی پا ایستادند و به افتخار ایران و ایرانی همه شان کف می زدند.

۵۶. اتفاق خیلی خوب و جالبی که در کیپ تاون افتاد چون همزمانی با ماه مبارک رمضان داشت. آن جا مسلمانان متوجه شدند یک ناو گروهی آمده است و این ها روی عرشه نماز می خواندند، دعوت کردند همزمان ما را و رفتند در مسجد شیعیان و از آن طرف برادران اهل تسنن آمدند ورود کردند و نماز جماعت برگزار شد و این طرف محفل انس با قرآن برگزار شد و اصلا یک ارتباط بسیار جذاب و دیدنی ای بود واقعا.

۵۷. دماغه امید نیک معروف است به قبرستان کشتی ها، عمدتا طوفانی و خطرناک، طوری برنامه ریزی شد وقتی عزیزان از بندر کیپ تاون خارج می شوند و دماغه امید را دور خواهند زد شرایط جوی به گونه ای باشد که به راحتی بتوانند عبور کنند علی رغم آن تلاطمی که وجود داشت و من جالب است این نکته را بگویم که از فرمانده محترم ناو شکن دنا که سوال کردم گفتند امیر اصلا طوفانی دیگر برای ما معنی نداشت. یعنی کل مسیر همه اش متلاطم بود و تلاطم بی معنا شده بود و قورمه سبزی ها هم که رمز بین ما بود.

۵۸. ما در دنا میهمان هم داشتیم هر کجا که پهلوی می گرفتیم، مثلا میهمان داشتیم، جاکارتا میهمان داشتیم و ریو میهمان داشتیم و کیپ تاون

مهمان داشتیم، به همه آنها غذای ایرانی می دادیم. مهمان هایی که می آمدند بدون استثناء تعجب می کردند که شما چطور آن سر دنیا را طی کردید و آمدید چون خیلی مرسوم شاید نباشد با این ابعاد ناو شکن بخواهد اقیانوس آرام را طی کند.

۵۹. اگر از خانواده های ما بپرسید چند روز دریا بودند؟ می گویند یازده ماه. سه ماه قبل از حرکت ما از همه جهات آن هم به صورت شبانه روزی در حال آماده سازی بودیم.

۶۰. ما در اقیانوس آرام ۳ طوفان سنگین داشتیم و در اقیانوس اطلس یک طوفان سنگین داشتیم و در دماغه امید نیک هم به طوفان سنگینی برخوردیم. ۶۱. ما حدود ۲۳۲ روز دریا نوردی که داشتیم، امکان این را داشتیم بدون هیچ پشتیبانی از لحاظ تجهیزاتی، می توانستیم یک سال دیگر هم بچرخیم، اما از لحاظ نیروی انسانی نیاز به تعویض بود. اما به لحاظ سخت افزاری دو برابر این سفر را آمادگی داشتیم. ما خیلی مجهز رفتیم. روی این مأموریت یک سال فکر کردیم.

۶۲. ناو شکن دنا را ما با افتخار می گوییم صد درصد ایرانی است. در ابتدای مسیر که خیلی دور نشده بودیم، یکی از موتورهای ناو شکن دنا دچار مشکل و چالش می شود از یک سنسوری که بحث سیستم کنترل این موتور به این

سنسور متصل بود، ما برای این پیش‌بینی داشتیم و قطعه به اندازه کافی آورده بودیم و اصلاً نگران نبودیم. این سنسور از مدار خارج شد، سنسور دیگری که از قبل آماده کرده بودیم آماده بود و به دستگاه نصب شد و دستگاه مثل اولش شروع به کار کرد.

۶۳. فرمانده یگان و افسر فنی یگان به من گفت که کاپیتان ما برای اینکه سطح انبارمان را در همان سطح عالی نگه داریم، اگر اجازه بدهید ما در هر بندر خارجی ای که رفتیم، سنسور موتور را تأمین کنیم ما هم گفتیم چشم، مجوزش از تهران داده شده و بروید بخرید. ما بعد از آن قضیه در چهار بندر پهلو گرفتیم و در این چهار بندر از روز اول تا آخر بچه های فنی در این شهرها گشتند و تلفن زدند، انواع واسطه ها را دیدند، اما این قطعه پیدا نشد چون صد درصد ایرانی بود و فقط هم باید در ایران تأمین می کردیم. اصلاً وجود نداشت. این قطعه، قطعه ایرانی بود باید در ایران پیدایش می کردیم، انحصاری بود. اما ما این قطعه را با خودمان آورده بودیم و مشکلی نداشتیم و مأموریتمان را انجام دادیم.

۶۴. یک زمانی فکر می کردند که ما نمی توانیم به سواحل این دشمنان نزدیک بشویم ولی ما یک ناو شکن درست کردیم که بتواند در این دریای طوفانی این مسافت طولانی را برود. هشت ماه یک سیستم فنی بخواهد شبانه روزی کار

کند. خیلی مهم است. اگر چه ما اینقدر محکم رفته بودیم که از کارخانجات نداجا، تیم تعمیر کار حرفه ای با قطعات فنی به اندازه کافی برده بودیم در دریا اورهال موتور انجام دادیم.

۶۵. سیستم های فنی ما یکسری برنامه های تعمیر و نگهداری دارند. روزانه و هفتگی و ماهیانه و سه ماهه و ششماهه، این سه ماهه ها و شش ماهه ها خیلی مهم هستند. غالبا تعویض قطعه است و باید قطعات عوض بشود، ما در این دریا اورهال موتور انجام دادیم. در این حد خودکفا بودیم و هستیم. کشوری که در تحریم است و انواع فشار ها علیه آن در همه ابعاد و زمینه ها بوده است به روزی رسیده که وسط دریا موتور اورهال می کنه!

۶۶. امیر دریادار ایرانی در مصاحبه ای گفتند، فرمانده نیروی دریایی استرالیا به نخست وزیر این کشور گفته است که اگر به ما بودجه و اعتبار لازم را بدهید ما قول می دهیم تا ده سال آینده به وضعیت امروز ارتش ایران در بحث نیروی دریایی برسیم. چه کشوری؟ کشوری که بخشی از بریتانیا هست و انواع و اقسام امکانات را به آنها میدهند و نه تحریم هستند و بعد خود این ها یک سابقه ای دارند در بحث دریا، این اگر پیشرفت نیست، پس چیه؟

۶۷. سیر پیشرفت را که آدم نگاه می کند می بیند که صد سال پیش یا صد و پنجاه سال پیش در عرصه نیروی دریایی ما کجا بودیم، چه توانی داشتیم،

نیروی دریایی کشور های دیگر، هزاران کیلومتر آن طرف تر، پرتغال و اسپانیا به اینجا می آمدند و تصمیم گیری می کردند برای ما اما الان ما در اوج تحریم و فشار و اینها تا حیات خلوت امریکایی ها می رویم و تنها کاری که می توانند بکنند این است که ما را تحریم کنند، ما را باز هم تحریم کنید. این اگر در همین سیر خط پیشرفت، اسمش چیز دیگری غیر پیشرفت چه می تواند باشد، بعضی ها می گویند ما نمی توانیم به آینده امیدوار باشیم، اصلا دلیل امیدواری همین چیز هاست. ما مشکل داریم زیاد هم داریم اما مگر می شود این حجم از موفقیت های شگفت انگیز را ندید.

۶۸. من یک موردی را در همین صحبت های شما عرض کنم. ما وقتی در سواحل مجمع الجزایر بالنزیک که مربوط به فرانسه هست گذر می کردیم، هواپیمای اینها روزانه بعضا دوبار می آمدند و اطراف ما گشت می زدند، برای شناسایی و جاسوسی، گشت شناسایی بود، همانطور که شما فرمودید، سالهای پیش ما اجازه می گرفتیم از اینها تا یک کاری را می خواستیم در عرصه دریا و هر جایی انجام بدهیم، اما الان به مرحله ای رسیده ایم که وقتی این هواپیما می خواست به ما نزدیک بشود، از فاصله خیلی دور تر با ما تماس می گرفت و اجازه می گرفت که به ما اجازه می دهید ما به شما نزدیک بشویم؟ یعنی ما

الان داریم به اینها اجازه می دهیم. به آنها می گفتیم تا یک فاصله ای میتوانید نزدیک بشوید غیر از این عواقبش به گردن خودتان هست! نگید نگفتید.

۶۹. این نیست که یک ناو فقط در آب های آزاد و حیات خلوت دشمنامون حضور پیدا کرده باشه، نه! ما در این ناو شکن قابلیت رزم زیر سطحی، سطحی و هوایی را صد درصد داشتیم. ما به صورت شبانه روزی در اطراف مان و مناطق اطراف خودمان را رصد می کردیم و کاملاً تحرکات را زیر نظر داشتیم و جمع آوری اطلاعات خیلی خوبی را انجام دادیم.

۷۰. ما یک رزمایش را در راستای آیونز همین سمپوزیوم آیونز « Evans symposium » که کشورهایی که در حاشیه اقیانوس هند هستند و آن جا تشکیل شده است، در گووه هندوستان شرکت کردیم با همین ناو شکن دنا. در آن رزمایش فرانسه و هندوستان و بنگلادش و ایران واحد شناور فرستادند، سی کشور دیگر وابسته هایشان را فرستادند و کارشناسان و نمایندگان شان را فرستادند. در آن رزمایش ناو شکن دنا بسیار خوب ظاهر شد و عالی ظاهر شد ما در ابتدا رفتیم در جلسه توجیه، توجیه شدیم و چهل و هشت ساعت دریا نوردی داشتیم و بعد از دریا نوردی مجدد وارد بندر شدیم و تمام آن فعالیت هایی که ما انجام دادیم خیلی از این سناریو یا تمریناتی که در راستای امداد و نجات و کمک های بشر دوستان اصلاً اسم این تمرینات بود ما بالاترین نمره

را اخذ کردیم (ناو شکن دنا) فرمانده نیروی دریایی فرانسه پایان آن جلسه امتیاز دهی، ناو شکن دنا را به عنوان اولین ناو شکن با نمره به اصطلاح خودشان براووزولو، عالی، آن کویل مربوط به براووزولو را تقدیم بنده حقیر به نمایندگی ناو شکن دنا تحویل گرفتم به عنوان یگان. آنها می دانستند و دیده بودند. فرانسوی ها یک بار توانمندی ما را در عرصه دریا دیده بودند.

۷۱. وقتی که ما به سمت جزایر پُلی نِزیک «Polynesia» که مربوط به کشور فرانسه هست نزدیک شدیم از صد مایل یا دویست مایل مانده به منطقه انحصاری اقتصادی روی سر ما آمدند و گفتند مسیر حرکتتان کجاست آیا می خواهید وارد مسیر و منطقه اقتصادی ما بشوید؟ به آن ها گفتیم ما حالا داریم ادامه می دهیم به سمت جنوب اقیانوس آرام، اگر نیاز باشد وارد انحصاری شما می شویم. حالا منتظر یک سری دستورات از ستاد نیرو بودیم. پاسخ روشنی به آن ها ندادیم و به راحتی برابر قوانین بین المللی با رعایت تمام قوانین وارد منطقه انحصاری اقتصادی شدیم و گشت هایشان و حضورشان در اطراف ما بیشتر شد و خیلی نگران بودند، بعد به مرحله ای رسید و ما خیلی از نزدیکی سواحل این ها گذشتیم و این ها نگران شدند و و آمدند مثلا از ما مچ بگیرند و بگویند که شما قوانین بین المللی را نقض کردید، اینها نمی دونستند که ما قبل از عزیمت به این دریا یک سال روی تک تک این مسیرها کار کرده بودیم،

در مورد قوانین محلی و قوانین بین المللی بارها و بارها شاید این اصطلاح برایتان آشنا باشد، ما بازی جنگ انجام دادیم یعنی آمديم تمام اتفاقاتی که بر روی مسیر شاید برای ما اتفاق بیفتد، عزیزانی مأمور بودند که این خطرات را کامل استخراج و از قبل آماده کنند.

۷۲. جوشی که زده شده است روی تمام این شناور، همه ایرانی هست. این خیلی مهم است. جوش خودش یک دنیایی دارد. جوشکاری در ورق های دریایی یک دنیایی مختص خودش دارد و یک کارشناسی های مخصوصی برای خود دارد. چه جوشی را ایرانی ها زدند که آن دریا و آن امواج طوفان و امواج مرده را تحمل کرده است و تا آخر سفر هم هیچ اشکالی برایش پیش نیامد و آخر نگفت و به راحتی از سفر برگشتند. مهم ترین قسمت ساخت یک ناو شکن همین جوشکاری است.

۷۳. ما با یک ناو شکن ایرانی در آبهای آزاد حضور پیدا کردیم که قابلیت سطحی و زیر سطحی و هوایی را دارد، ما از میانه اقیانوس آرام تا جنوب قاره آمریکای جنوبی مسیری را دریا نوردی کردیم که اصلا مسیر تردد کشتی نبود، یعنی هیچ کشتی ای در آن جا تردد نداشت، این خیلی به کسانی که ما را رصد می کردند فشار آورد، خیلی نگران شان کرد که اینها چقدر به سیستم و سامانه

هایشان مطمئن هستند و اطمینان دادند پا به عرصه یک دریای گذاشتند که
مواج و سنگین است و چقدر به نفراشان اطمینان دارند.

۷۴. وقتی که دریا خراب می شود، نفر باید پای موتور ژنراتور و در پل
فرماندهی بایستد، نمی تواند محل را ترک کند، چون در آنجا کوچک ترین
خطا در آنجا باعث غرق واحد می شود. شما یک فیلمی را از ناو شکن دنا بعضا
شاید دیده باشید در دریای خراب که خیلی دارد تاب می خورد، وقتی به آن
نگاه می کنیم فکر می کنیم که ناشکن در حالت ایست کامل است، در حالی
که با ده گره سرعت، ده نات و بیست کیلومتر در ساعت در حال اقیانوس نوردی
است، اما به نظر می رسد که در جای خود ایستاده است، اینقدر این امواج بلند
هست که به نظر می رسد این ناو شکن در جای خود ایستاده و حرکت ندارد،
با اینکه اینقدر تکان می خورد اما ده نات سرعت داشته است.

۷۵. در مسیر حرکتان یکی از کشورها شرارت و شیطنتی را که البته من می



گویم ترسیده بود و آمد و از یک سیستم و

سامانه ای به نام سونوبوی «Sonobuoy» در

مسیر ما استفاده کرد. سونوبوی چه هست؟

«a port of sonar and

buoy» یک سونار کوچک شده است، یک

سونار پرتابل و متحرک است، یک سوناری هست که عمر کوتاهی دارد. اما چه کار می کنند؟ هواپیمایی که برای این کار تعبیه شده است، برای کشف زیر دریایی طراحی شده است و شیء این را پرتاب می کند در منطقه ای که نگران است زیر دریایی وجود دارد، یعنی این ها فکر می کردند که ما زیر دریایی همراه خودمان داریم، خوب است، اما وقتی دیدند که ما چه مسیر سختی را انتخاب کردیم و چه جسارتی داریم این ها نگران شدند که اینها احتمالا زیردریایی هم آورده اند، اگر اینقدر محکم جلو آمدند، خیلی نگران شدند، آمدند سونوبوی انداختند اما ما برای این هم فکر کرده بودیم. برای این ها فکر کردیم و یک تاکتیکی استفاده کردیم، البته این را هم بگویم که این سونار نه زیر دریایی بلکه اینها می توانستند مشخصات پروانه و مشخصات سیستم ناو شکن را هم بگیرند، ما برایش فکر کرده بودیم چون پیش بینی کرده بودیم و آن بازی های جنگی که خدمت شما عرض کردم، در این شرایط ما را قرار دادند که اگر زیر دریایی ای نزدیک شما شد و اگر هواپیمایی سونوبوی پرتاب کرد، چطور بتوانید با ایجاد یک سری (حالا من خیلی وارد جزئیات نشوم) کار را تمام کنیم و کار خودمان را انجام بدهیم، یک سری تاکتیک هایی هست من یک نمونه اش را بگویم که ایجاد یک سری نویز هست، نویز هایی که ما می توانیم ایجاد کنیم،

یک سری تاکتیک هایی که بهتر است من در موردش صحبت نکنم، شاید آن ها فکر می کنند به یک اطلاعاتی رسیده اند اما اطلاعاتشان اشتباه است. الان به انها بگویم که اطلاعاتتان اشتباه است، اطلاعاتی که گرفته اید همه غلط است، خودتان را خیلی به زحمت نیندازید!

۷۶. یکی از این کشور ها که خیلی هجمه بسیار زیادی به آن آوردند، کشور برزیل بود. برزیل با حضور ما در بنادر خودش استقلال خودش را ثابت کرد و برزیل گفت من زیر سلطه هیچ کسی نیستم و برای منافع مردم خودم، خودم تصمیم می گیرم. آقای دولت استکباری آمریکا شما نمی توانید در خصوص کشور بنده تصمیم بگیرید. من منافع هرطور که ایجاب کند و به نفع ملت من باشد آن کار را انجام می دهم، منافع خودش را برزیل در این دید که با ایران ارتباط بگیرد و ناو ایرانی را راه بدهد و وارد بندرش بشود. ما هم که حامل پیام صلح و دوستی بودیم.

۷۷. برزیل که رفتیم، افسرانی دو سه رده بالاتر از ما، دعوت کردند تا با آن ها گفت و گو داشته باشیم، آنها می گفتند شما در آن دریای خراب ما دیدیم که با قایق می ایید و با ناوچه های فلان، یک تعریف های اینگونه ای از ما می کردند و می گفتند ما فکر نمی کردیم که دیگر شما با یک ناو شکن ۱۰۰۰ تنی از آن سر کره زمین بلند بشوید و این اقیانوس آرام را چون این ها

دریانوردی کرده اند و امواجش را دیده اند بدون مشکلی دریایمایی کنید.
آخه راست هم می گفتند یگان ما، یگان سبکی هست، آنها به ما می گفتند
قایق، قایق ایرانی! البته ما به این می بالیدیم، می گفتیم خوب است، ببینند
که ما چقدر شجاع و جسور هستیم که با یک قایق آمدیم.

۷۸. اگر یک ناوی یا یگانی بخواهد خیلی راحت آن منطقه را رد کند
باید حداقل ۷۰۰۰ تن یا ۸۰۰۰ تن دریا نوردی کند، اما ناو شکن دنا به صورت
واقعی ۱۱۰۰ تن است.

۷۹. در برزیل شرکتی قرار بود کارهای خدماتی و ورود و کارهای اسکله ما را
انجام بدهد که آمریکا در لحظه این شرکت را تحریم کرد و تهدید کرد. این
شرکت مسئولش پیش من آمد و گفت من ۱۲۰ سال سابقه کار در این بنادر را
دارم از خیلی قدیم ها نسل به نسل آمدیم تا اینجا و خیلی تحت فشار هستم
و نمی توانم با شما کار کنم. البته با کمکی که سفیر جمهوری اسلامی ایران در
برزیل انجام داد، بسیار بسیار زحمت کشید و کار کرد و خوب کار کرد. خود
جناب آقای سفیر از برزیل بلند شدند آمدند در شهر ریو و پیش ما به مدت
سه روز ماندند. این افرادی که از برزیل با ما کار می کردند، این ها را روزهای
آخر به ما می گفتند و خودشان اقرار می کردند زمانی که دیگه با ما حسابی
گرم گرفته بودند و رفتار و منش افسرها و درجه داران ما را دیده بودند، اذعان

می کردند که ما در روز های اول از شما می ترسیدیم و بعد از اینکه چند روز گذشت دیدیم که نه، خیلی انسانهای در قاعده و چهارچوب و انسان های خوب و مهربان و روز آخر ما را با چشمان خیس و تر بدرقه کردند.

۸۰. در برزیل که بودیم، از سائوپائولو «Sao Paulo» یک تاجر ایرانی با خانواده اش و دو تا از افراد کشور برزیل که قبلا در پلیس برزیل خدمت کرده بودند، با هماهنگی ای که انجام داده بودیم این ها در ناو شکن دنا مهمان ما بودند، باور بفرمایید فیلمش هم هست اگر خواستید فرمانده ناو شکن دنا این فیلم را دارد. این عزیزان وقتی که تشریف آوردند به یگان و ما در مورد مأموریت و فعالیت و اقداماتی که انجام شده، آنهایی که قابل گفتن بود، اینکه این مسیر را رفتیم و چه مشکلی داشتیم، باور بفرمایید آن چنان این ها گریه می کردند و آنچنان اینها از ذوق و شوق یعنی واقعا غیر قابل بیان، بیشتر از ایرانی های مقیم، آن دو نفر برزیلی بلند شدند و فرمانده ناو دنا را بغل کرد و گفتند من باید دستان شما را ببوسیم، شما خیلی بزرگی، شما خیلی بزرگی، و ما با کادویی آقایان را بدرقه کردیم و از ناو شکن رفتند. یکی از خاطرات ما در این دریا همین حضور عزیزان در ناو شکن بود.

۸۱. چرا ما سفیر فرهنگی انقلاب اسلامی بودیم؟! به این خاطر: در زمان استراحت، همزمان ما به بازار رفته بودند. بچه ها نشسته بودند و یک ارشدی

از رسته ای وارد آن قسمتی شد که یک تعدادی پرسنل جوان تر در آن جا نشسته بودند. به محض این که این عزیز به داخل می آید اینها بلند می شوند به احترامش، یک آقای فروشنده ای از توی مغازه آمد و گفت شما چرا بلند شدید؟! چی شده مگه؟! به او گفتند ایشان از ما ارشد تر است و ارشد رسته ما هست. آن جا بچه ها با گوگل ترنسلیت خیلی راحت صحبت می کردند با برزیلی ها. گفت که من ارتشی های آمریکایی را دیدم، این احترامات و این نظامی گری ای که در شما هست من در آن ها ندیدم! الان شما یک فیلم آمریکایی نگاه می کنید می بینید آخر نظامی گری هستند. در اتوبوس ما همین اتفاق افتاد که راننده برایش سوال شد راننده که چرا این دو تا صندلی اول خالی هست که ما گفتیم برای ارشد تر ما هست و ارشد رسته ما می خواهد بیاید اینجا بنشینند. این ها فعالیت هایی بود که داشتیم. ما در برزیل بر همین عرضه نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء اجرا می کردیم و خیلی برایشان جالب و جذاب بود. خیلی برایشان جذاب بود.

۸۲. تمام مناسبت هایی که در تقویم کشور عزیزمان ایران هست همه را در را در دریا بدون استثناء اجرا کردیم. ما ۲۲ بهمن در یگان راهپیمایی می کنیم همه فیلم هایش هم هست و کامل می توانیم به مردم عزیزمان ایران نشان بدهیم، حتی بیانیه صادر کردیم، در روز قدس راهپیمایی کردیم، در تمام

مناسبت‌هایی که عزاست عزاداری صورت گرفت. در جشن‌ها ما برگزار شد آن هم جشن‌هایی خیلی خوب و با کیفیت.

۸۳. در دریا عزیزی فرزندش به دنیا می‌آمد همه بچه‌ها با توجه به رده‌ای که دارد از لحاظ درجه، کیک درست می‌کنند و برایش جشن می‌گرفتند.

۸۴. تدبیری که امیر فرماندهی نداجا به ما ابلاغ کردند در دریا، ما در این دریانوردی هشت نفر از پرسنلمان فرزندانمان به دنیا آمدند، ما اینترنت در یگان داشتیم اما مجاز به استفاده نبودیم مگر برای برنامه‌های خاصی بخاطر ابعاد نظامی، هیچکس مجاز به استفاده نبود، اما تنها کسانی توانستند در دریا از آن بهره ببرند که صاحب فرزند شده بودند. فرمانده محترم نیرو دستور داده بودند که این‌ها بتوانند با خانواده‌هایشان تماس تصویری داشته باشند که خیلی از لحاظ افزایش روحیه خیلی تأثیر داشت چون همکاران دیگر می‌دیدند که مثلاً فرماندهی نیروی دریایی دغدغه دارد که مثلاً این عزیزی که بچه‌اش به دنیا آمده است باید این ارتباط برقرار بشود این‌ها برایشان خیلی با ارزش بود.

۸۵. یکی از خاطرات جالبی که دارم، مربوط به شهر صلاله عمان می‌جا من برای زیارت رفته بودم به مزار حضرت عمران نبی علیه السلام و یک خادمی داشت این مزار که مسلمان هندی بود و اهل حیدرآباد هند بود. نکته خیلی جالبی که بود، زمانی که من رفتم به آن جا به من گفت که کجایی هستی؟ به

او گفتم که ایرانی ام، تا گفتم ایرانی هستم، به من به حالت سوالی گفت، نیوی؟! نیروی دریایی؟ گفتم بله. خیلی برای من جالب بود که ایشان ماجرای کامل ناوگروه را در رسانه ها دنبال کرده بود و شنیده بود و در واقع می گفت من از بمبئی هند یعنی در اوائل مأموریت ناوگروه می گوید شنیده بودم که نیروی دریایی ایران در آن جا هست و بعد از آن در اخبار دنبال می کردم و تا اینکه شنیدم این ناو گروه آمده است و در صلاله عمان پهلو گیری کرده است. خیلی جالب بود و صحبت های جالبی برای من می کرد و می گفت این ناو گروه در واقع باعث افتخار مسلمانان هست و این کاری که کرده اند یک دور، دور کره زمین زده اند و در واقع خیلی صحبت های دلگرم کننده ای داشت و حالا او فکر می کرد که من هم عضوی از ناو گروه هستم، خیلی با صمیمیت من را در آغوش گرفت و من را بغل کرد و صحبت های خیلی دلگرم کننده ای داشت.

۸۶. واقعا زندگی در دریا سختی های خاص خودش را دارد شاید جالب باشد که من خدمت شما عرض کنم، زمانی که برگشتم (من کلا از صلاله عمان تا بندر عباس همراه این ناو گروه بودم) می خواستم استراحت کنم کماکان در حالت استراحت خودم احساس می کردم دارم تکان می خورم چه زمانی که نشسته بودم و چه زمانی که داشتم استراحت می کردم آن تکان هایی که در کشتی وجود دارد را حس می کردم.

۸۷. من زیاد واژه دریا دل را شنیده بودم ولی در این سفر هفت یا هشت روزه ای که داشتم واقعا این دریا دلی برایم به عینیت رسید که چطور بچه هایی که هشت ماه هست روی آب هستند و دور از خانواده و وطن کما کان با روحیه بسیار بالا خیلی به خوبی ما را می پذیرفتند و با ما بسیار صمیمی بودند این برای من خیلی جالب بود. من تا الان فکر می کردم که واژه دریا دل یک واژه تعارفی باشد، یک چیز مصطلح و معروف باشد اما در این سفر این واژه برایم به عینیت رسید.

۸۸. ما برای اولین بار آمدم ستاره های قطب جنوب را رصد کردیم و با آن ناوبری کردیم. ستاره های قطب جنوب را ما با آن هیچ وقت ناوبری نکرده بودیم نقطه محاسبه را با آن به دست نیاورده بودیم. خیلی برای ما جالب بود. ما با تکیه بر تجهیزات الکترونیکی ناوبری نکردیم و یگان را هدایت نکردیم، داشتیم خوش هم داشتیم اما این آموزش های اولیه و پایه چون تأکید فرماندهی هم بود ان جا کاملاً اجرایی و عملی کردیم و در طول مأموریت، آموزش بسیار بسیار خوبی را بچه ها در تمام سطح دیدند، چه درجه داری و چه افسری، خیلی آموزش ها خوبی دیدند.

۸۹. وقتی به آفریقای جنوبی رسیدیم، سراغ یک مسجدی به نام مسجد اهل بیت علیهم السلام رفتیم که برای مسلمانان شهر کیپ تاون کشور آفریقای جنوبی

بود. ما آن شب در تمام مراسماتی که آن جا بود در نماز جماعتشان و محفل انس با قرآنشان و حتی روحانی ای که ما داشتیم آن جا سخنرانی کرد و سخنرانی جالبش این جا بود که به پرسش و پاسخ رسید، یعنی جهاد تبیین در یک کشور دیگر داشتند. بچه مسجدی هایی که آن جا بودند حدود ۳۰ نفری بودند، به یمن حضور ما و برای این که ما شاد بشیم و خستگی از تنمون در بره، سرود سلام فرمانده را برای ما اجرا کردند، همه این ها فیلم هایش هم هست.

۹۰. روحانی مسجد اهل بیت علیه السلام کیپ تاون جمله قشنگی به ما گفت که خیلی به دل من نشست. ایشان گفتند که حضور نیروی دریایی ایران در شهر کپتاون آفریقای جنوبی باعث عزت ما مسلمانان شد.

۹۱. افسران ارشد و آدمیرال های آفریقای جنوبی «Admiral» با اینکه نیروی دریایی ضعیفی ندارند و با ارتش روسیه و چین رزمایش مشترک برگزار می کنند خودشان اذعان داشتند که شما چطور عرض این اقیانوس اطلس را آمدید؟! ما وقتی که می خواهیم از این عرض عبور کنیم از این سمت اقیانوس اطلس به آن سمت که می رویم، دائم نگران هستیم. ما اگر بخواهیم در این مسیر حرکت کنیم در کنار یا پشت سر یک کشتی تجاری حرکت می کنیم بعد اگر دیدیم وضعیت خراب است دور می زنیم. چطور شما با این ناو شکن از این

مسیر طولانی عبور کردید؟! (به تعبیر آنها قایق) آن افسر ارشدشان که یک
آدمیرال بود به ما گفت ما خیلی دوست داریم با فرمانده نیروی دریایی شما
صحبت کنیم و در خصوص این تجربیاتی که علی الخصوص شما در این دریا به
دست آوردید تبادل تجربیات و در صنعت ساخت و تعمیر و نگهداری صحبت
کنیم. من برای همه این ها فیلم دارم که این جملات از زبان این ها گفته شده
است

۹۲. افسران آفریقای جنوبی این ها وقتی که به ناو شکن دنا می آیند و در
ضیافتی که ما در نظر گرفته بودیم شرکت می کنند، برای اینکه به آنها ثابت
کنیم ما از کانال پاناما نیومدیم، فیلم مسیری را که طی کرده بودیم را برای
این ها گذاشتیم، اینها اینقدر به وجد آمدند که بی اختیار بلند شدند و
همینطور داشتند کف می زدند. واقعا فکرش را نمی کردند که ما بتوانیم مسیر
به این طولانی را به این شکل دریانوردی کنیم و صحیح و سالم و چقدر با
روحیه در کشور آفریقای جنوبی حضور داشته باشیم.

۹۳. مسئولین و افسران آفریقایی به ما می گفتند: شما درس خوبی به آمریکا
داده اید و مشت خیلی محکمی را بر دهان آمریکا زدید و این درسی است برای
دیگر کشور های مسلمان که بدانند که اگر به آمریکا وابسته نباشند و دست

روی زانو های خودشان بگذارند می توانند خیلی خوب عمل کنند و خیلی درست عمل کنند و فقط نیاز به تلاش و همبستگی و همت دارد.

۹۴. قدرت سختمان این است که دنیا را طی می کنیم و قدرت نرم ما این است که وقتی به کشور دیگری می رویم آنها برای ابراز علاقه نسبت به ما سرود سلام فرمانده می خوانند. این نشان دهنده عظمت تمدن اسلامی است.

۹۵. دریا نوردی در قطب برای خودش یک دنیایی هست. به خاطر سرمای آب و هوا. فقط دو نفر تجربه داشتند از این مسیر آن ها هم چیزی یادشان نبود و نتوانستند کمکی به ما بکنند، ما هرچه که داشتیم از این کتاب ها و از این اطلاعاتمان از این کتاب ها بود، اگر الان از من یک عزیز بپرسد که مثلاً فلان واحد می تواند برود من یک خورده با حساسیت بیشتری می توانم بگویم که می تواند یا نمی تواند، چون الان من فهمیدم آن جا چه خبر است!

۹۶. حتی ناو هواپیمابر آمریکایی می آید از تنگه ماژلان رد می شود از دماغه هورن و تنگه دریک رد نمی شود چون وضع جوی خیلی خطرناکی دارد و و ارتفاع موج تا ده دوازده متر می رسد. هر جا شما تاریخ بخوانید کسی در مورد دریا صحبت کند بخواهد بگوید دریای خراب را مثال بزنند دماغه امید نیک را مثال می زند.

۹۷. ما هنگامی که به دماغه امید نیک رسیدیم از ستاد نیروی دریایی به ما گفتند که وضعیت جوی در دماغه امید نیک از ۲۴ ساعت دیگر به شکل بسیار بدی خراب می شود و شما به یک طوفان خیلی سختی می خورید. ما اولش نگران شدیم تا حدودی اما باز گفتیم که ان شاء الله با توکل به خدا می رویم تابیینیم چه اتفاقی می افتد؟! وقتی که ما در منطقه قرار گرفتیم، دریا خراب بود، ارتفاع موج تا هفت متر هم رفت. ولی ما قشنگ داشتیم به راحتی کارمان را انجام می دادیم اصلا دریا انگار برای ما خراب نبود، چرا بچه ها در این دریا، در اقیانوس آرام و اطلس اینقدر با امواج مختلف و با دریای خراب مواجه شدند آن اعتماد به نفس و تاب آوری شان آنقدر بالا رفته بود که اصلا دماغه امید نیک اصلا به چشمان نیامد.

۹۸. همه پرسنل جوان بودند همه اینها جوان هستند، ناوبان دو، ناوبان یک و تمام افسران پل فرماندهی هدایت ناو شکن دنا را بر عهده داشتند، ناو بان یک هستند، یعنی سنوات حضورشان در منطقه ۵ تا ۶ سال است، یعنی اینقدر سابقه خدمت در شناور ... یک نسل با تجربه و پر تجربه ای را در آینده خواهیم داشت. هنوز مانده است که دستاورد های این ناو گروه بیان بشود و در سال های بعد است که خودش را نشان خواهد داد.

۹۹. ما برای دریانوردی در این دریا، ما در حوزه های مختلف کار کردیم، از لحاظ اطمینان به نفرات و تخصصشان به مرحله ای رسیدیم که ما در دریا اورهال موتور «Overhaul» انجام دادیم بنابر برنامه تعمیراتی ای که کشتی دارد، من فکر کنم که این را خدمت شما عرض کنم ما برنامه های تعمیرات زمان دار داریم. ما اورهال کامل موتور را انجام دادیم در آن فضا، در آن تکان و آن شرایط بیایی کار تعمیراتی انجام بدهی بدون کوچکترین سانحه ای. و موفقیت آمیز

۱۰۰. عزیزان ما در دریای خراب سه تا عمل جراحی انجام دادند. تیم پزشکی ما، سه عمل جراحی موفق انجام داد و نفرات الان دارند برای خودشان زندگی شان را می کنند، این سه عمل جراحی که عنوان می کنیم این گل کار ما بود و خیلی موارد دیگری نیز بوده است...

۱۰۱. ما از ۲۹ شهریور ۱۴۰۱ از منطقه یکم دریای بندر عباس حرکت کردیم به کردیم به دریا. اما آن چه بود؟ امیر فرمانده محترم نیروی دریایی به ما دستور دادند به دریا بروید و خودشان با معاونت ها تشریف آوردند در یگان ها و یک آزمون خیلی سختی از ما گرفتند و انواع عملیات هایی که ما باید در دریا انجام می دادیم و پشتیبانی ای که باید می کردیم، محل های مختلفی که باید واحد می زدیم، اضطرار هایی که احتمال داشت برای ما پیش بیاید، از لحاظ فنی یک

سری مانور هایی که باید انجام می دادیم، همه این موارد را آمدند خودشان ایستادند و از ما آزمون گرفتند. از نفرات آزمون گرفتند با معاونت هایشان حتی از ستاد آجا، ستاد ارتش جمهوری اسلامی ایران امیرانی آمدند و از اینجا تا چابهار با ما بودند و از ما همین موارد را بعد از اینکه امیر فرماندهی تشریف آوردند، آنها هم آمدند از نظر فرمانده کل ارتش از ما آزمون گرفتند تا به یک اطمینانی برسند. این اقدامات و فعالیتها حدود نه تا ده روز طول کشید که به یک اطمینانی برسند که این ناو گروه از لحاظ تجهیزاتی و نیروی انسانی صد درصد آماده اعزام به مأموریت هستند.

۱۰۲. نه مهر ماه ۱۴۰۱ مأموریت ما به صورت رسمی آغاز شد. اما ما از ۲۹ شهریور ماه با خانواده ها خداحافظی کردیم، و ۹ مهر این مسیر را شروع کردیم و حدود ۱۹ روز پهلو گیری به بنادر داشتیم، مجموعاً یعنی ناو کنار اسکله بود و فعالیت نداشت و اصطلاحاً بچه های یک استراحتی بکنند و فعالیت مجدد ان شاء الله آغاز بشود. ما ۲۱۳ روز دریانوردی عملیاتی به صورت خالص داشتیم. یعنی ناو به صورت خالص دریا نوردی عملیاتی می کرد و کار های عملیاتی انجام می دادیم.

۱۰۳. یکی از همکاران و عزیزان ما در ستاد نداجا یک چیز خیلی قشنگی را از این مأموریت کشف کردند که من را ساعاتها به این فکر فرو برد که چطور

ممکنه این اتفاق بیفتد؟! شما ۲۱۳ را با حروف ابجد تبدیلیش کنید، دقیقا نام حضرت زهراء سلام الله علیها هست. ببینید چقدر جالب، من ساعتها داشتم به این فکر می کردم، وقتی به ما گفتند که این مأموریت ۲۱۳ شما دقیقا با حروف ابجد ۲۱۳ می شود نام حضرت زهراء سلام الله علیها برای ما خیلی عجیب و خاص بود که حالا من ورود نکنم بهتر است.

۱۰۴. این ناو گروه فقط منطقه یکم امامت نیروی انسانی اش را تأمین نکرد بلکه کل نیروی دریایی درگیر بود.

۱۰۵. خانواده ها الحق و الانصاف فداکاری کرده اند و در نبود شوهر هایشان تمام مسائل و مشکلات زندگی را به دوش کشیدند و فرزندان شان را جمع و جور کردند و مسائل آموزشی شان رسیدند. یک سری اتفاقاتی هم افتاد و نوساناتی هم بود و شوهر خانه نبود و باید زن خانه این ها را مدیریت می کرد و مضاف بر اینکه خود امیر نیروی دریایی فرماندهی به خانواده ها زیاد سر کشی می کردند و ما خانواده ای داشتیم که دو مرحله یا سه مرحله امیر فرماندهی رفته بودند با یک تیمی ملاقات داشتند در سطح مناطق و فرماندهان مناطق به خانواده ها سرکشی می کردند و سر می زدند، من به شما به جرأت و با اطمینان عرض کنم فقط آن بحث احساسی و دلتنگی را کنار بگذاریم، در این مأموریت واقعا خانواده ها مشکل دیگری نداشتند.

۱۰۶. من در خانه خودم همسرم یک روزی خسته شده بود و به پسر
گفته بود محمد کاش بابات در این شرایط بود. پسر ۱۵ ساله من در پاسخ به
همسرم می گوید که نه ماما این دریا، دریای خاص و مهمی هست و این
ارزشش را دارد، هرچه ما سختی ببینیم و دوری ببینیم ارزشش را دارد. از
اینترنت هم رصد می کرد وضعیت ما را. این جمله تا آخر دریا همسرم برایم
تعریف کرد و قوت قلب بود. هر زمان خسته می شدم یاد این حرف می افتادم.
من این را جایی عنوان نکردم. خیلی اثر بخش بود. واقعا خانواده ها همراه
بودند.

۱۰۷. ناگفته نماند که امیر فرمانده محترم نیروی دریایی یک تدبیر بسیار
خوبی داشتند و یک دفتری به نام دفتر معین تشکیل دادند و یک تعداد خانم
آن جا نشسته اند و کارشان این بود که هر هفته ای هر ده روزی با خانواده ها
تماس می گرفتند به صورت روتین و با مشکلات و مسائل و مواردی که بود با
توجه به ظرفیت هایی که در سطح نیروی دریایی ایجاد شده بود به کمکشان
می رفتند و خانواده ها هم شماره داشتند در هر ساعت از شبانه روز، مشکلی
یا موردی پیش می آمد در سطح نیروی دریایی کل کشور.

۱۰۸. ارگانی که مرز نمی شناسد!

نیروی دریایی کارش در خارج از مرز هاست، لذا ویتترین مردم کشورمان

هست. به نوعی در محیط بیرونی و چون همه حوزه ها را شامل می شود به ویژه این که تجهیزات محور هست وقتی که ما بحث از تجهیزات می کنیم یعنی فناوری و دانش یعنی صنعت یعنی تولید یعنی اقتصاد، یعنی توانمندی فنی و مهندسی یک کشور که پایه اش حتما باید لبه فناوری باشد چون شما در یک محیطی فعالیت می کنید که در واقع هیچ نکته اتکائی وجود ندارد جز ذات خود خداوند عزوجل و هر حرکت و رفتار و هر گفتار شما کاملا مانیتور می شود و ثبت و ضبط می شود و مفهومی این هست که شما را در سیاست خارجی و در روابط بین الملل و گفتمان کشور های مختلف ارزیابی می کنند و چون بازدید متقابلی هم انجام می شود در قالب دیپلماسی دفاعی و حضور در سایر کشور ها هست، اینجا آن فرهنگ ایرانی اسلامی هم حتما مورد توجه هست.

۱۰۹. ما در همان ابتدای جنگ یعنی ۶۷ روز اول جنگ، دشمن از صحنه می شود و ادامه فعالیت های نیروی دریایی متشکل از یگان های رزمی و تکاوران دریایی می رود به سمت همین مأموریت اسکورت و تأمین امنیت خطوط کشتیرانی البته در آن شرایط از تنگه هرمز به داخل کسی حاضر نبود که بیاید یعنی کشتی های خارجی نمی آمدند و عمدتاً بحث هدایت و راهبری اش هم باز توسط عزیزان انجام می شده است و امنیت هم برقرار می شده

است مضافاً بر اینکه بحث پدافند و سکو ها و جزایر به طور خاص، جزیره خارک هم عهده دار بودند، این مدت پشت سر گذاشته شده.

۱۱۰. از سال ۸۶ به اینطرف در زمان فرماندهی امیر دریا دار سیاری این بحث اسکورت کاروان ها مجدداً ابلاغ شد، با اولین دزدی دریایی که اتفاق افتاد در منطقه و خلع سلاح کردنشان. اما باز تفاوتش با آن زمان اینگونه هست که امروز نه تنها خطوط کشتیرانی خود ما بلکه منطقه و جهان از این نعمتی که ایران زمین هدیه کرده است و در قبال آن هیچگونه هزینه ای دریافت نمی کند، بر عکس بقیه که خیلی هزینه دریافت می کنند، این امنیت را برقرار کرده است، ما در گذشته به صورت جهانی دو بار مورد تقدیر قرار گرفتیم.

۱۱۱. در سال ۱۴۰۰ و در همان موقع هم دو بار از طریق سازمان ملل از طریق برقراری امنیت به طور مشخص مورد تقدیر واقع شدیم.

۱۱۲. فعالیت نیروی دریایی جمهوری اسلامی ایران مستقیماً به اقتصاد متصل است مستقیماً یعنی اگر این شاهراه خدای ناکرده دچار اختلال می شود شرایط، یک شرایط سختی خواهد بود، اساساً بنادر ما از حیث انتفاع خارج می شوند چون دیگر شناوری نخواهد آمد.

۱۱۳. ما همه معادلات را به هم زدیم امروز، نیروی دریایی امروز با نیروی دریای قبل از کد ۳۶۰ یک تفاوت های بسیار زیادی کرده است و به نظر ما همه

ی صنایع دفاعی ما و همه مراکز فنی و مهندسی و علمی ما خیلی متفاوت باید امروز خودشان را ببینند چون هیچ کس باور نمی کرد که ما بخواهیم ارزیابی هایمان را در یک چنین محیطی انجام بدهیم که دیگر آخرین ارزیابی هست و یعنی جایی که همه ی متخصصین و همه کسانی که به دریا تسلط داشتند قطعاً باورشان این بود که هیچ گاه این سفر امکان پذیر نیست با ناو شکن دنا انجام نخواهد شد.

۱۱۴. در حوزه بهداشت و تغذیه و در حوزه سلامت عزیزانی که اعزام می شوند و همینطور حوزه های درمان و حوزه های بهداشت روان، کارگروه های مختلفی با همکاری دانشگاه های کشور مراکز علمی و شرکت های دانش بنیان تشکیل شد و همه جوانب بررسی شد. می دانستیم سفری داریم که شاید بیشتر از هشت ماه طول بکشد حتی این آمادگی را ناوگروه ما داشت.

۱۱۵. در دو مرحله همه همزمان من که می خواستند به مأموریت اعزام بشوند طرح پایش برایشان انجام شد تا سالم ترین همزمان من به این مأموریت پر افتخار اعزام بشوند. در حوزه بهداشت و تغذیه، کارشناسی های بسزایی انجام شد تا بتوانیم بهترین مواد مغذی و سالمترینش را برای عزیزان تأمین کنیم. چنانچه این ناو گروه ما یک ناو گروهی بود که باید خودش تولید می کرد تا عزیزان ما بتوانند استفاده کنند بدون وابستگی به ساحل.

۱۱۶. درحوزه درمان که یکی از مهم ترین مشکلاتی بود که ما به آن پرداختیم و توانستیم برای اولین بار در تاریخ دریانوردی کشور یک بیمارستان کامل تخصصی را در ناو گروه ایجاد کنیم.

۱۱۷. بیمارستانی که شامل اتاق عمل، ICU، رادیولوژی و آزمایشگاه و دندان پزشکی و همه واحدهایی که یک بیمارستان نیاز دارد پیش بینی و طراحی شد، تجهیزات تمام ایرانی تهیه شد و در این ناو گروه تعبیه شد که در جای خودش بی نظیر بود واقعا. تیم پزشکی چهارده نفره ای که همراه این گروه اعزام شد اعم از پزشک جراح و پزشک بیهوشی و رادیولوژی و آزمایشگاه و همه چیزهایی که نیاز بود.

۱۱۸. در دفاع مقدس مثلا موضوع مهم دفاع مقدس ما، عبور از رودخانه کرخه بود، عبور از رودخانه کارون بود، بعد این تبدیل شد به عبور از اروند، ببینید وقتی آن شهامت عبور از اروند را به اصطلاح غواص های ما ایجاد کردند و رزمندگان شهید ما ایجاد کردند، آن شهامت تسری پیدا کرد و ادامه پیدا کرد و امروز شما پس از سی یا چهل سال از خلیج فارس عبور می کنید از اقیانوس ها عبور می کنید و از تنگه های بزرگ جهانی عبور می کنید و این نشان می دهد آن امتداد دارد.

۱۱۹. اولین هدیه این ناو گروه به رشته مطالعات جامعه شناسی بود که

ما برای اولین بار مطالعات اجتماعی دریا در دانشگاه تهران در دستور کار قرار بدهیم.

۱۲۰. نیروی دریایی راهبردی ایران باب ارتباطات فیزیکی با دنیا را باز

کرد یعنی جوانان آینده ما مبتنی بر بیانیه گام دوم باید آماده باشند و هر جوان ایرانی حداقل ده یا پانزده کشور بیرونی را بشناسد و مراجعه کند و سفر داشته باشد و نگاهی از نگاه محدود جغرافیایی فیزیکی سیاسی ببرد به سمت اعماق سرزمین های دور و بلند، به امید پیشرفت و بهبود وضع اقتصادی و فرهنگی و سیاسی جامعه ما و هم جوامع دیگر.